

لخته نارم

التيام زخم‌های

فرزندپروری ناکارآمد

لی والاس

مریم تقی پور

کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی - سالگذرانی به نظریه این‌جاها

تلفن: ۰۷۱-۴۷۳۰۰۷۲۹ - ۰۷۱-۴۷۳۰۰۷۲۸ - ۰۷۱-۴۷۳۰۰۷۲۷

medicology.com medicology@medicology.com www.estafadeh.com

با مقدمه دکتر محمد رضا سرگذرایی

فهرست

۷۸	چند کلمه از مکالمه (رسانی و مخاطب) در میان این مکالمه مذکور شد
۷۹	از روایت پارسی و پارسیانی در میان این مکالمه مذکور شد
۸۰	از روایت پارسی و پارسیانی در میان این مکالمه مذکور شد
۸۱	هر صدای ازیادی را در میان این مکالمه مذکور شد
۸۲	یادگاری از مکالمه کالان را در میان این مکالمه مذکور شد
۸۳	و تئوپورگنومیا را در میان این مکالمه مذکور شد
۸۴	و تئوپورگنومیا را در میان این مکالمه مذکور شد
۸۵	میر علائیش عزیز معاشر امیر عزیز کالان را در میان این مکالمه مذکور شد
۸۶	میر علائیش عزیز معاشر امیر عزیز کالان را در میان این مکالمه مذکور شد
۸۷	میر علائیش عزیز معاشر امیر عزیز کالان را در میان این مکالمه مذکور شد
۸۸	میر علائیش عزیز معاشر امیر عزیز کالان را در میان این مکالمه مذکور شد
۸۹	میر علائیش عزیز معاشر امیر عزیز کالان را در میان این مکالمه مذکور شد
۹۰	میر علائیش عزیز معاشر امیر عزیز کالان را در میان این مکالمه مذکور شد
۹۱	فهرست
۹۲	مقدمه
۹۳	سخنی با خوانندگان



۱۷	سرآغاز: نقطه‌ای دیگر (جایی دیگر)
۱۹	پیش‌گفتار
۲۳	تأثیرنداشتن مادر روی فرزند
۳۵	بازپروراندن
۵۵	مرحله طبیعی در خودماندگی
۵۷	بارداری
۶۳	جنین در رحم
۶۶	تولد
۶۸	نوزادی
۷۱	پیوستگی دوران نوزادی
۷۴	وقت حمام‌رفتن
۷۹	نخستین لبخند

□ التیام زخم‌های فرزندپروری ناکارآمد

مرحله همزیگری طبیعی (وابستگی طبیعی)	۸۳
نوزاد ارتباط چشمی برقرار می‌کند	۸۵
نوزاد سرش را بالا نگه می‌دارد	۹۰
ارتباط چشمی و لبخند	۹۳
شیرخوار سرش را بالا می‌گیرد و به اطراف می‌چرخاند	۹۸
تعویض پوشک نوزاد به پدر سپرده می‌شود	۱۰۳
جدایی و فردیت یافتگی	۱۰۹
ناپدیدشدن مادر	۱۱۱
قبل از جدایی	۱۱۴
جدایی	۱۱۸
یادگیری سینه‌خیزرفتن	۱۲۲
سینه‌خیزرفتن و بازی کردن	۱۲۵
از پستان گرفتن	۱۳۰
کشف مادر	۱۳۴
تمرین ایستادن	۱۳۹
راست ایستادن	۱۴۳
نخستین قدم	۱۴۶
راه رفتن	۱۴۹
نوپایی	۱۵۵
تو و من	۱۵۶
کودک خودش غذا می‌خورد	۱۶۲
خواهر و برادر جدید	۱۶۷
آموزش توالترفتن	۱۷۱



بـ لکسیو از تئوری هستولوگی مفروضی که در عین قدر مفهومیتی دارد،
منطقه از خود فرموده و این اندکی بخاطر های روحیه مانند درباره مفهومیات
نمایی و مفهومی مغزی می باشد. این تئوری از تئوری هستولوگی و تئوری هایی می باشد که
محقق این تئوری می باشد. این تئوری از تئوری هستولوگی و تئوری هایی می باشد که
آن سلطنتی بر عینکیه نسبت داشته اند. این تئوری از تئوری هستولوگی و تئوری هایی می باشد
که مفهومیاتی که در آن تئوری مذکور شده است، مفهومیاتی که در آن تئوری مذکور شده است،
مقدمه

سال هاست محققان به این نتیجه رسیده اند که دو نیمکره مغز عملکردهای
متفاوتی دارد.

آنچه را، به طور معمول، عملکرد منطقی می نامیم (تجزیه و تحلیل اطلاعات،
منطق ریاضی و زبان) نیمکره چپ مغز سازماندهی می کند، در حالی که ادراک
هنری (زیبایی شناسی، خلاقیت، درک شعر و موسیقی) را نیمکره راست مغز
بر عهده دارد.

نیمکره راست با کارکردهای سروکار دارد که در ما ایجاد احساسات
می کند و قدرت هنر از همین جا ناشی می شود. سازماندهی بسیاری از
تصمیمات و رفتارهای ما از روی تفکر منطقی نیست، بلکه احساساتمان این
کار را می کند. تقریباً همه افراد سیگاری از آسیب‌های سیگار آگاهند؛ اما
کثیدن آن را «دوست دارند». بسیاری از رفتارهای پرخطر و روابط آسیب‌رسان
هم صرفاً بر پایه احساسات ادامه پیدا می کنند.

وقتی به انسان‌ها اطلاعات کلامی می دهیم با نیمکره چپ مغزشان ارتباط
برقرار می کنیم و گاهی نمی توانیم با استدلال منطقی بر موضوعاتی که بستر
احساسی دارند اثر بگذاریم. این جاست که مربی یا درمان‌گری که قرار است
مدیریت موضوعات احساسی را به عهده گیرد، چاره‌ای ندارد مگر این‌که

سرآغاز: نقطه‌ای دیگر (جایی دیگر)

چشم اندازی آشنا یا ناآشنا در اطراف تان وجود دارد. این منظره تقریباً سه بعدی و تکرنگ به نظر می‌رسد و هیچ سایه‌روشنی ندارد. آن‌جا هیچ شیئی دیده نمی‌شود. این چشم‌انداز، فضایی عالی برای غوطه‌وری است. در این فضا احساس می‌کنید بسیار آرام، رؤیایی، راحت و بی‌وزنید. در این فضا روزنه‌ای دیده می‌شود. دو شیع، که به شکلی محو دیده می‌شوند، از این روزنه مراقبت می‌کنند. تصور می‌کنید آن‌ها بخشن هشیار و ناهشیار وجود تان هستند. بخشن هشیارتان لباسی رنگارنگ بر تن دارد و بخشن ناهشیار هر زمان به شکلی درمی‌آید و مدام عوض می‌شود؛ به تدریج به شکلی واحد تبدیل می‌شود و دوباره به شکل سوم یا چهارم بازمی‌گردد. از این رو می‌فهمید که ناهشیارتان بخشن‌هایی مرتبط به هم و متغیر دارد و شما با شیفتگی و شیدایی به تماشای آن مشغولید. به سمت روزنه حرکت می‌کنید و می‌بینید که با پرده‌ای مات یا نیمه‌مات پوشانده شده. نزدیکتر می‌روید و درمی‌یابید که این پرده واقعاً مات است و شفاف نیست و نمی‌توانید به جایی دیگر وارد شوید. شما با ذهن هشیارتان گفتگو می‌کنید و می‌پرسید: «آیا می‌توانم وارد آن‌جا شوم؟» و ذهن هشیارتان، بدون این‌که پرسستان را بشنود، دور می‌شود. از ذهن ناهشیارتان می‌پرسید: «آیا می‌توانم وارد آن‌جا شوم؟» پاسخ می‌دهد: «نه، هنوز نه.» سپس می‌گویید: «ممکن است آن سوی روزنه را ببینم؟ آن‌گاه بدون هیچ پاسخی

□ التیام زخم‌های فرزندپروری ناکارآمد

پرده کنار می‌رود. شما درون آن را که به رنگ آبی و بسیار زیباست می‌بینید. سپس آن فضا تغییر رنگ می‌دهد و به رنگ‌های زیبای دیگری تبدیل می‌شود؛ رنگ‌هایی که از خودتان ساطع می‌شوند. با تعجب و حیرت تماشا می‌کنید و نظاره‌گر تغییر و بلوغ آهسته رنگ‌ها هستید. صدایی می‌شنوید، صدایی که ضرب آهنگ دارد، شبیه صدای طبلی که صدایش پوشانده شده؛ بوم، بوم، بوم، بوم.^۱ با این صدا می‌توانید احساس راحتی کنید و خودتان را در عمق این فضای زیبا بباید. ذهن هشیار و ناهشیار شما هر دو در گوشه‌ای ایستاده‌اند، در حالی که شما در جایی دیگری‌دید.

۱. boom, boom, boom, boom؛ در متن اصلی، ریتم صدا به این شکل نشان داده شده و در اصل استعاره‌ای از صدای قلب مادر است.م.